

نیروهای مسلح و صلاحیت مقابله با تروریسم تکفیری منطقه براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی

سید اصغر جعفری^{۱*}، محمدرضا مختاری^{۲**}، ندا براتی^{۳***}

۱. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

۳. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۹

چکیده

مسئله حضور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به‌عنوان کنش‌گری فعال در مخاصمات مسلحانه منطقه غرب آسیا به‌ویژه عراق و سوریه در مبارزه با تروریسم تکفیری محل مناقشه بسیاری چه در محافل سیاسی و حقوقی بین‌المللی و چه در میان افکار عمومی داخلی بوده است. این امر به‌طور خاص هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که جمهوری اسلامی نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به کشورهای درگیر داشته و به بیانی، بازیگر اصلی تحولات چند سال اخیر نام گرفته است. نظر به ممنوعیت توسل به زور در مناسبات بین‌المللی که هدف اصلی شکل‌گیری نظام حقوقی معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی و زمینه‌ساز تأسیس سازمان ملل متحد است، منحصر به دفاع مشروع از سرزمین تعیین‌شده، چگونه می‌توان ایفای نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مخاصمات مسلحانه خارج از مرزهای سرزمینی را براساس مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی توجیه کرد. ظرفیت‌های قانون اساسی و اصول مندرج در آن چگونه با اصول اساسی حقوق بین‌الملل از جمله حق حاکمیت برابر، حق تعیین سرنوشت و اصل منع مداخله در امور داخلی سایر کشورها تطابق می‌یابد. از دریچه نگاهی توصیفی-تحلیلی با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم. آنچه بررسی‌ها در این مقاله ارائه می‌دهد این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود ثمره مبارزات حاصل از یک انقلاب بنیادین، با دایره تمدن‌سازی دین‌مدارانه است، مسیر مشروعیت‌بخشی به مشارکت در مبارزه با تروریسم تکفیری، دفاع از مسلمان و مظلوم را از مجرای آموزه‌های دینی، تأمین منافع ملی و دفاع مشروع هموار ساخته است. **واژگان کلیدی:** نیروهای مسلح، تروریسم تکفیری، قانون اساسی، دفاع مشروع، ارتش مکتبی.

* Email: : Jafari1647@yahoo.com

نویسنده مسئول

** Email: mrmokhtari_87@yahoo.com

*** Email: nedabaarati_85@yahoo.com

مقدمه

تا پیش از شکل‌گیری جوامع انسانی به شکل کنونی و هنگامی‌که ارتباط انسان‌ها محدود به اجتماعات بشری پیرامون خود بود، تلاش حکمرانان معطوف آن بود که مناسبات فردی را در رفع احتیاجات و نیازهای ضروری معیشتی تنظیم و نظام‌مند سازند تا همزمان با زیست مسالمت‌آمیز، تعارضی در برآورده ساختن نیازها پدید نیاید. قوانین اجتماعی قلمرویی اندک به وسعت قبیله، قریه و روستا را در برمی‌گرفت. به تدریج با افزایش جمعیت و پیشرفت وسایل ارتباطی، قوانین با قلمرو شمول گسترده‌تری نیاز بود تا اینکه برحسب ویژگی‌های ذاتی حاکمان و نیل آنان به توسعه امپراتوری‌ها، روابط بین تمدن‌ها حول دو موضوع تجارت و جنگ و صلح پدیدار شد. از آن زمان تا تشکیل دولت-کشورهای امروزی این دو مقوله همواره بسترساز مناسبات بین‌المللی بوده است. در حوزه تجارت، توسعه صنایع و مبادله با ملل دیگر برای رفع نیازهای متقابل و در حوزه جنگ و صلح، تقویت نیروهای دفاعی و قدرت تهاجمی، دغدغه حاکمیت‌ها قلمداد شده است. در اغلب اوقات قوای نظامی در خدمت اهداف اقتصادی و استعماری قرار می‌گیرد و گاهی انباشت قدرت اقتصادی هوای تحمیل اراده بر ضعیفان با ابزار قوای نظامی را می‌پروراند. نظام حقوقی بین‌المللی از پنجره معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی از اواسط قرن بیستم هدف اصلی خود را صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد. به تعبیری قوام یافتن قوانین داخلی در کشورها می‌رود تا به استقرار و تدوین مقرراتی جهانشمول و لازم‌الاجرا برای تمامی تابعان بینجامد. در حال حاضر منشور سازمان ملل متحد در حکم قانون اساسی نظام بین‌الملل، مورد پذیرش اکثریت کشورها قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۱ منشور توسعه روابط دوستانه در بین ملل را بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل اعلام می‌کند و در بند ۷ ماده ۲ به کشورهای عضو اجازه نمی‌دهد با استناد به مقررات منشور در اموری که ذاتاً در صلاحیت داخلی هر کشوری است، دخالت کنند. واضح است که منشور ضمن به رسمیت شناختن قوانین داخلی کشورها، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در سایه احترام به حاکمیت برابر و حقوق مساوی هر کشور امکان‌پذیر می‌داند. از این رو قوانین اساسی که معرف اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های هر ملت و به بیانی اساسنامه ساختار قدرت سیاسی حاکمیت‌هاست، مورد تأیید همه دولت‌هاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حقوق اساسی نشأت‌گرفته از آموزه‌ها و موازین اسلامی است و در برخی موارد، مطالبی از اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد نیز در آن اشاره شده است، نقشه راهی برای ملت و حاکمیت ترسیم می‌کند که از سویی از دخالت در امور سایر

کشورها خودداری می‌کند، از سوی دیگر نسبت به همه مسلمانان، و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تعهد برادرانه اعلام می‌دارد و از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. موضع قانون اساسی تداوم انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور و تلاش در جهت تشکیل امت‌واحدہ جهانی و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان است. این رویکرد آرمانی تکلیف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را نه تنها در حفظ و حراست از مرزها، بلکه با رسالتی مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون در جهان اعلام می‌دارد.

هدف از نگارش این مقاله پاسخ به این پرسش است که ایفای نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مخاصمات مسلحانه منطقه به‌ویژه تقابل با گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق چگونه از منظر قانون اساسی و قوانین منبعث از آن توجیه‌پذیر است؟ آیا موازین حقوق بین‌الملل که به پذیرش حاکمیت ملی کشورها اذعان دارد، مغایر با مقررات داخلی در این زمینه است؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها ابتدا جایگاه، اهداف و ویژگی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در قانون اساسی و قوانین عادی بررسی شده و در ادامه به پدیده تروریسم تکفیری و صلاحیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تقابل با آن با امعان نظر به قانون اساسی پرداخته خواهد شد.

۱. نیروهای مسلح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

موضوع دفاع و امنیت همواره به‌عنوان آموزه‌ای اساسی، برای همه انسان‌ها و جوامع انسانی مطرح بوده و است. همه کشورهای کوچک و بزرگ جهان، در هر سطحی از دانش، فناوری و با هر نوع نظام سیاسی و بافت فرهنگی، دفاع از حیات، هویت و تأمین امنیت ملی را اصل مسلم و تردیدناپذیر خود می‌دانند. حجم بسیار زیادی از تحقیقات نظامی، برنامه‌های راهبردی امنیتی، تهیه و تدارک نیروی نظامی و ابزارهای جنگی در بودجه سالانه دولت‌ها، نشان از اهمیت دفاع و تأمین امنیت دارد. در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی جامع که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی در همه زمان‌ها و مکان‌هاست، نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد (دهقان و جعفری، ۱۳۹۸: ۸۷). قانون اساسی در اصول ۱۴۳ تا ۱۵۱ به موضوع نیروهای مسلح می‌پردازد. از آن‌جا که کلیت، جامعیت و اختصار از شئون قوانین اساسی است، در این اصول صرفاً به موضوعات بنیادین و ریشه‌ای اشاره شده و جزئیات اجرا به تفصیل به قوانین عادی و نظامنامه‌های قوه مجریه ارجاع شده است. ساختار، اهداف، ویژگی‌ها، وظایف، مأموریت و سلسله‌مراتب نیروهای مسلح در قالب یک کلیت واحد و همچنین به‌صورت مجزا، در قوانین و مقررات متعددی تشریح شده که مهم‌ترین آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسیده است و سایر مقررات اجرایی و اختصاصی از مجرای آیین‌نامه، بخشنامه، ابلاغیه و ... راهنمای عمل قرار گرفته است.

ماده ۱۹ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را متشکل از ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته معرفی می‌کند. ستاد فرماندهی کل قوا، ستاد فرماندهی معظم کل قوا در نیروهای مسلح است که معظم‌له را در اداره امور نیروهای مسلح یاری می‌رساند.

قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ به تصویب مجلس رسیده که در ۱۲ فصل و ۲۰۴ ماده کلیه موضوعات مربوط به ارتش جمهوری اسلامی از جمله اهداف، اصول، ویژگی‌ها، وظایف و مأموریت‌ها، شرایط استخدام، آموزش، ترفیع، حقوق و مزایا، بازنشستگی و ... را توضیح می‌دهد. ستاد مشترک، نیروی زمینی، هوایی، دریایی و سازمان‌های وابسته، اجزای ارتش را تشکیل می‌دهند. اصل ۱۴۳ قانون اساسی وظیفه ارتش را پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی برمی‌شمرد. ماده ۲ قانون ارتش نیز آمادگی و مقابله در برابر هرگونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور، همکاری با نیروی انتظامی و سپاه پاسداران، آماده نمودن مردم برای دفاع مسلحانه و اقدام در جهت نیل به خودکفایی را در زمره وظایف ارتش می‌داند.

سپاه پاسداران دیگر نیروی نظامی جمهوری اسلامی است که در قیاس با سایر نیروهای نظامی خصلتی منحصربه‌فرد دارد؛ نیرویی مردمی که نتیجه نیاز دوران پس از وقوع انقلاب است و به‌واسطه عملکرد و تجربه موفق خود در نخستین روزهای پیروزی انقلاب و مقابله با اقدامات تجزیه‌طلبانه و ایفای نقش تأثیرگذار در دفاع مقدس، برابر اصل ۱۵۰ قانون اساسی برای ادامه نقش خود پابرجا ماند و حدود وظایف، قلمرو مسئولیت و رابطه‌اش با سایر نیروهای مسلح، به قوانین عادی واگذار شد. در مورد این نیرو دو قانون در فهرست قوانین موضوعه مصوب، قرار گرفته است. در ۱۳۶۱/۰۶/۱۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در تاریخ ۱۳۷۰/۰۷/۲۱ قانون مقررات استخدامی آن در ۲۳۵ ماده به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

مأموریت‌های سپاه در پنج حوزه دسته‌بندی می‌شود: نظامی، انتظامی، اطلاعاتی-امنیتی، فرهنگی و امور بسیج مستضعفان. سازمان بسیج ملی وفق لایحه مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۴ تشکیل شد که نیرویی مجزا با کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی بود، ولی به‌دلیل شباهت و موازات مأموریت و براساس قانون ادغام سازمان بسیج ملی در سپاه پاسداران، با عنوان نیروی

مقاومت بسیج جزئی از سپاه پاسداران قرار گرفت.

علاوه بر نیروهای نظامی با مأموریت دفاع از مرزها و تمامیت ارضی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از ادغام سه نهاد ژاندارمری، شهربانی و کمیته‌های انقلاب در فهرست نیروهای مسلح قرار دارد. نیروی انتظامی کنونی جمهوری اسلامی محصول قانون مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی با هدف استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، نگهداری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب در چارچوب قانون در قلمرو جمهوری اسلامی، تشکیل شد. از جمله مأموریت‌های ویژه این نیرو مراقبت و کنترل مرزها، امور گذرنامه، وظیفه عمومی و حفاظت از اماکن است.

نیروی چهارم از نیروهای اسلامی جمهوری اسلامی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است که پس از انقلاب جایگزین وزارت جنگ شد. با شروع جنگ تحمیلی و تشکیل سپاه پاسداران، وزارت سپاه با مأموریتی مشابه وزارت دفاع تشکیل شد که طی قانون انحلال وزارت دفاع و سپاه پاسداران، در ۱۳۶۸/۰۵/۳۱ وزارت دفاع کنونی تشکیل شد. امور بودجه و اعتبارات کلیه نیروهای مسلح، ساخت و تولید اقلام مورد نیاز، پشتیبانی فنی، علمی و آموزشی و امور املاک و مستغلات، امور بیمه و بازنشستگی از وظایف وزارت دفاع تعیین شده است.

۱- اصول و ویژگی‌های کلی حاکم بر نیروهای مسلح

نیروهای مسلح ایران به مانند نیروی نظامی سایر کشورها در درجه اول وظیفه حفظ و حراست از مرزها و حاکمیت دولت مرکزی را بر عهده دارد و از این نظر با کارکرد ارتش سایر کشورها اشتراک وظیفه دارد. از این رو همواره باید در بالاترین حد آمادگی قرار داشته باشد و خود را متناسب با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی تجهیز کند. ماده ۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی در بیان اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح به هفت مورد اشاره می‌کند (نظرپور، ۱۳۸۶، ۱۳۶-۱۶۲):

الف) اسلامی بودن

در تشکیل و تجهیز نیروهای مسلح، اساس و ضابطه، مکتب اسلام است، به نحوی که بر همه شئون و ابعاد آن، ضوابط و مقررات شرع حاکم باشد. نیروهای مسلح، رسالت مکتبی جهاد در راه خدا را بر عهده دارند، پیروی از اصول اخلاقی اسلام و احترام به شخصیت انسانی افراد را وظیفه خود می‌دانند.

ب) ولایی بودن

فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مقام ولایت فقیه است. همه فرماندهان، رؤسا و مدیران موظف‌اند از ولی امر اطاعت و پیروی کنند و هیچ فرمانده، مدیر یا فردی

از نیروهای مسلح حق ندارد خلاف دستورها، فرمان‌ها و تدابیر مقام ولایت دستوری صادر کند یا از چنین دستوری اطاعت کند.

ج) مردمی بودن

نیروهای مسلح، همواره در کنار مردم و در جهت مصالح و آرمان‌های امت اسلامی، انجام وظیفه می‌کنند و در زمان صلح نیز به درخواست دولت، افراد و تجهیزات فنی خود را در حدی که به آمادگی رزمی آن‌ها آسیبی وارد نیاید، در جهت خدمت به مردم در زمینه کارهای امدادی، آموزشی، تولید و جهاد سازندگی به کار می‌گیرند.

د) خودکفایی

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تمامی توان خود برای رسیدن به خودکفایی در کلیه زمینه‌ها از قبیل سازماندهی، آموزشی، تدارکاتی، اطلاعاتی و صنعتی می‌کوشند.

تحریم جمهوری اسلامی ایران از سوی دشمنان اسلام از یک سو و کمک‌های تسلیحاتی، مالی، اقتصادی و اطلاعاتی آن‌ها به رژیم بعث صدام در هشت سال دفاع مقدس از سوی دیگر، ضرورت خودکفایی در عرصه علوم و فنون و تجهیز نظامی را هرچه بیشتر نمایان ساخت.

ه) انضباط

انضباط دو جنبه دارد: جنبه معنوی و جنبه ظاهری. جنبه معنوی انضباط بر اثر ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین مبین اسلام و انجام فرایض دینی و پایبندی به احکام و ارزش‌های اخلاق اسلامی، احساس مسئولیت معنوی در قبال نظام جمهوری اسلامی، میهن و ملت ایثارگر ایران، قانون و وظایف محوله، اعتقاد به منطقی و عادلانه بودن مقررات و اعتقاد به فرماندهان، رؤسا، مدیران و همکاران در پرسنل پدید می‌آید، به‌گونه‌ای که حتی اگر تمام نظارت‌ها، برداشته شود، جنبه معنوی انضباط همچنان پابرجا و برقرار می‌ماند. جنبه معنوی انضباط، پایه و اساس تربیت نیروهای مسلح مکتبی، فداکار و وظیفه‌شناس را تشکیل می‌دهد. جنبه ظاهری انضباط با حفظ احترامات و آراستگی ظاهری، دقت در اجرای قوانین و مقررات و دستورها، تحقق می‌یابد (مواد ۸ و ۹ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح).

و) اقتدار

نیروهای مسلح باید از چنان آمادگی، تحرک و اقتداری برخوردار باشند که بتوانند با بهره‌گیری از تمامی امکانات جمهوری اسلامی، جرأت تعرض را از دشمنان آشکار و پنهان سلب کنند.

ز) تدافعی بودن

نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود، دشمن را از تعرض بازمی‌دارند، در برابر هرگونه تجاوز به انقلاب اسلامی و کشور ایران، دفاع کرده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌کنند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیرمعارض با اسلام را برای دفاع از خود، یاری می‌کنند.

۱-۲. وظایف نیروهای مسلح در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای نیروهای مسلح، مبانی مشخصی را طرح‌ریزی کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور

به استقلال کشور باید به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر توجه کرد. حفظ و حراست از حدود و ثغور مرزها، ضامن استقلال کشور است. استقلال از اهداف متعالی جمهوری اسلامی است و دولت موظف است همه امکانات خود را برای تقویت بنیه دفاع ملی و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور... به‌کار برد (بند ۱ اصل ۳). در مقابل، هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به استقلال و تمامیت ارضی کشور خدشه‌ای وارد کند (اصل ۹). بنابراین، استقلال اصل مقدسی به‌شمار می‌رود که برای حفظ آن، بی‌هیچ مضایقه‌ای باید عمل کرد. قانون اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده ارتش قرار داده تا براساس ضوابط مقرر انجام وظیفه کنند (اصل ۱۴۳).

ب) پاسداری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران از مشارکت و مبارزه ایثارگرانه و همه‌جانبه مردم شکل گرفت و حرکت کرد و به ثمر نشست. یکی از زمینه‌های مشارکت مردم، همکاری و همیاری گروه‌ها و اقشار مستعد و مؤمن به انقلاب بود که با توانایی‌ها و امکانات محدود، قبل از پیروزی انقلاب، خود را برای جهادی که ممکن بود در پیش باشد، آماده کردند. بسیاری از آن‌ها در مبارزات مسلحانه جریان انقلاب به شهادت رسیدند و بسیاری دیگر در پیروزی انقلاب و استقرار نظام، بیشترین مساعدت‌ها را نمودند و بعد از پیروزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده این نهاد مردمی و انقلابی گذاشته است» (اصل ۱۵۰). مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی است. بنابراین، دفاع از این نظام نیز بر عهده سپاه پاسداران است. دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به‌طور مسلم محدود به دفاع از مرزها و دشمنان خارجی نیست، بلکه دفاع از انقلاب هم در مرزها و در داخل و شامل تمام

ابعاد نظامی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی، و نیز به استناد اصل ۱۵۴ قانون اساسی در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

ج) ممنوعیت عضویت بیگانگان در ارتش و نیروی انتظامی

نیروهای مسلح، در مقام دفاع از حاکمیت ملی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی، در مقابل بیگانگان قرار دارد. انجام وظیفه توسط این نیروها، بیش از آنکه انتخاب یک شغل باشد، متکی بر عشق و علاقه به آب و خاک و میهن و سرباختن در راه حفظ مقدسات کشور است؛ بدین معنی که مردم یک کشور هم از نظر سابقه طولانی سکونت و هم از نظر وابستگی‌های آبا و اجدادی، به سرزمین خود علاقه‌مند می‌شوند و برای حفظ آن در صحنه‌های نبرد و در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و دین و مذهب خود جان می‌بازند. بی‌شک، وابستگی‌های مذکور در وجود بیگانگان یافت نمی‌شود. علاوه بر آن، حضور آنان در نیروهای مسلح ممکن است به نفع دشمن و به ضرر کشور باشد (هاشمی، ۱۳۹۶، ۴۴۱). به همین دلیل، قانون اساسی، عضویت بیگانگان در ارتش و نیروی انتظامی را ممنوع کرده و می‌گوید: هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود (اصل ۱۴۵).

۲. ظهور تروریسم تکفیری

تروریسم، از معضلات بزرگ جهانی در عصر حاضر است که بسیاری از کشورها به‌طور مستقیم با آن دست به‌گریبان‌اند و در سال‌های اخیر ابعاد و آثار بی‌سابقه یافته است. تروریسم جان انسان را به مخاطره می‌افکند و با ایجاد حالت رعب و وحشت امنیت هر جامعه را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، تروریسم می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی و پیشرفت جامعه بشری را در معرض خطر قرار دهد (جعفری، ۱۳۹۲، ۲۴۸). در عصر حاضر، جهان اسلام نیز با مسئله رشد جریان تروریسم مواجه است که برخاسته از تعالیم وهابیت، و به نام سلفی‌گری سبب کشتار انسان‌ها شده است. «کفر»، از واژه‌های پرکاربرد تروریسم تکفیری است که در آن، تروریست‌ها مخالفان خود را به کفر متهم و به کشتن آنان اقدام می‌کنند. به همین دلیل، به این نوع تروریسم، تروریسم تکفیری اطلاق می‌شود. اندیشه تکفیری با تکیه بر مبانی غیراسلامی خود، عقاید و آموزه‌های کلامی اسلام را به چالش می‌کشد. این جریان با تغییر بنیادین در برخی از مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی اسلام، خون، مال و نوامیس مسلمانان را مباح و آنان را از مشرکان بدتر می‌شمارد (روحی، ۱۳۹۳، ۵).

۲-۱. زمینه پیدایش تروریسم تکفیری

ریشه اولیه تروریسم تکفیری (آنچه در تضاد با مبانی اسلام ناب و منافع جمهوری اسلامی است) را می‌بایست در اندیشه‌های سرکرده گروه اردنی «جماعت توحید و جهاد»، یعنی ابومصعب الزرقاوی در سال ۱۹۹۹ جست‌وجو کرد. وی که پس از بیعت با اسامه بن لادن در سال ۲۰۰۴، القاعده عراق را تأسیس کرد، خود را از پیروان ابن تیمیه می‌دانست. ابن تیمیه عالم اهل سنت حنبلی مذهب در قرن هفتم هجری دارای اعتقادات خردگريزانه و متضاد از بسیاری مذاهب اسلامی بود که در نهایت پایه‌گذار مکتب سلفی‌گری و فرقه وهابیت شد. سلفی‌ها مخالف سرسخت گرایش عقل و خرد در مباحث دینی‌اند و عقاید صحیح اسلامی را منحصر به ظواهر قرآن و سنت می‌دانند. آنان از هرگونه تفسیر، ژرف‌نگری و بهره‌گیری از عقل، علم و فلسفه در تعلیم دین و تطبیق آن با مقتضیات زمان اجتناب می‌ورزند و از پذیرش امور و پدیده‌هایی که نص صریح در خدمت آن‌ها نیامده است، خودداری می‌کنند. سلفی‌گری در اعتقادات وهابیت یعنی رجوع به سلف صالح برای اصلاح امور جامعه اسلامی. سلف صالح در اندیشه بنیادگرایی اسلامی شامل سه دسته صحابه، تابعین و تابع تابعین است که اهل سنت احمدابن حنبل، ابو حامد غزالی و ابن تیمیه را سلف صالح از دسته تابع تابعین می‌دانند (قائمی و باغانی، ۱۳۹۷، ۱۰۴).

گروه‌های سلفی-تکفیری هدف اصلی خود را بازگرداندن خلافت اسلامی و اجرای دقیق شریعت اسلامی دوره پیامبر (ص) در کشورهای اسلامی اعلام کرده‌اند. از دیدگاه این فرقه جهان در دو قسم دارالاسلام و دارالکفر است و کسانی که با دارالاسلام سلفی مدنظر آنان مخالف باشند، داخل در دارالکفرند و مستحق تکفیر، و باید یا دعوت خلافت را بپذیرند یا از میان برداشته شوند. تکفیر شیعیان و خشونت با اهل کتاب ویژگی اصلی این تفکر است که البته همراستا با رویکردهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی مدنظر صهیونیسم است.

از همراهان نزدیک ابومصعب در افغانستان هنگام جنگ با شوروی ابوبکر البغدادی بود. این دو ابتدا «مجلس شورای مجاهدین» را در سال ۲۰۰۶ پایه‌گذاری کردند و پس از آن در همان سال «حکومت اسلامی عراق» را به رهبری ابویوب المصری و ابوعمر البغدادی بنا نهادند. مرگ زرقاوی، المصری و ابوعمر در نهایت ابوبکر البغدادی را به رهبری گروه‌های جهادی تکفیری عراق رساند. آنچه به‌عنوان داعش شهرت یافت، در آوریل ۲۰۱۳، بنیانگذاری شد. داعش در دوم رمضان ۱۴۳۵، مصادف با تیرماه ۱۳۹۳ خلافت ابوبکر البغدادی بر بلاد اسلامی عراق و شام و کل بلاد اسلامی را رسماً اعلام کرد.

ناآرامی‌ها در سوریه سبب شد که تا خردادماه ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و نیز شهرهایی از استان الانبار و نیز شهر موصل دومین شهر بزرگ عراق به تصرف داعش درآمد. حمایت‌های مالی، پشتیبانی و نظامی محور عربی- صهیونیستی- آمریکایی چهره‌ای قدرتمند و البته خشن از

داعش در منطقه به وجود آورد، تا جایی که زمزمه‌های نزدیکی به مرزهای ایران و حمله به شهرهای مذهبی شیعیان در عراق و سوریه به عنوان هدف اصلی دولت اسلامی شنیده می‌شد.

۲-۲. انگیزه بازیگران در به وجود آوردن تروریسم تکفیری

در آخرین سال‌های حیات نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی، نظامی مستقل با پشتوانه تمدنی ایدئولوژیک به پرچم‌داری انقلاب اسلامی در ایران رخ نمود که به دلیل موقعیت جغرافیایی، تک‌ابرقدرت نظام جهانی را با چالش جدی در ابعاد مختلف مواجه ساخت. نظام سیاسی منحصر به فردی که برگرفته از تفکر استکبارستیز اسلام شیعی، استقلال و استقامت در برابر سلطه‌پذیری راه، سرلوحه زیست در نظام بین‌الملل قرار داده است.

حذف این موجودیت و رویکرد تمدنی معنامحور آن که اصلی‌ترین تهدید یکه‌تازی آمریکا در عصر نظام تک‌قطبی است، سبب شده است تصمیم‌گیران آمریکا با صحنه‌گردانی تحولات جهانی، زمینه حضور مستمر در خاک همسایگان ایران و به نوعی محاصره ایران را با دو هدف در پیش گیرند: تغییر حاکمیت از طریق براندازی و حتی حمله نظامی، و در صورت عدم تحقق هدف نخست؛ جلوگیری از دامنه نفوذ یا مهار عمق راهبردی^۲ ایران.

عمق راهبردی در ادبیات نظامی کلاسیک عبارت است از فاصله خطوط مقدم نبرد با دشمن تا موقعیت‌های مسکونی، اقتصادی و مراکز سیاسی و مرکزی. بر این اساس هرچه زمان دسترسی دشمن تا این موقعیت‌ها بیشتر باشد، توان و زمان مقابله نیز مؤثرتر و بیشتر خواهد بود. در فضای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دامنه نفوذ یا عمق راهبردی یک کشور برآیند همه مفاهیم در حوزه‌های مختلف علوم است. این مفهوم که از گستردگی بیشتری در اذهان عمومی برخوردار است، در مناسبات سیاسی دوران جنگ سرد عینیت یافت، جایی که دو ابرقدرت بلوک شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا، با پشتوانه ایدئولوژیک نظام‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری، تلاش می‌کردند با یارگیری از کشورهای مختلف جهان فارغ از بعد مسافت و همجواری مرزی یا منطقه‌ای، عمق راهبردی خود را تا حد ممکن برای کاستن از قدرت رقیب گسترش دهند.

در دوران کنونی، مسئله رقابت آمریکا و متحدانش با انقلاب اسلامی ایران، محل تنازع فضای سیاسی و روابط بین‌الملل تاکنون بوده است و به نوعی می‌توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی به سبب پشتوانه ایدئولوژیک مستحکم آن جای نظام کمونیستی شوروی را گرفته و حتی به دلیل دین‌محور بودن اصول نظام جمهوری اسلامی، سبب اتحاد دو تفکر کمونیستی و سرمایه‌داری در مقابل خود شده است. نمونه این امر همگرایی شوروی و آمریکا در جبهه‌ای واحد و کمک

به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران است.

وجهه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، یعنی محوریت دین اسلام و ظرفیت الگوسازی آن که مبتنی بر یک نظام سیاسی مترقی به نام مردم‌سالاری دینی است، به ملت‌های منطقه نشان داده است که با وجود شدیدترین فشارها و تحریم‌ها، تاب مقاومت توأم با پیشرفت امکان‌پذیر خواهد بود. الگوی «ایران اسلامی» اساسی‌ترین تهدید برای منافع ایالات متحده، موجودیت اسرائیل و تداوم حاکمیت‌های دیکتاتور بر کشورهای عربی منطقه است. از این رو طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت جبهه استکبار پس از پیروزی انقلاب اسلامی همگی در این راستا تعریف می‌شود. با این توضیح عمده‌ترین انگیزه بازیگران پنهان در خلق داعش را می‌توان به شرح زیر نام برد:

الف) تسلط بر بخشی از جغرافیای منطقه غرب آسیا

نوآم چامسکی، متفکر و زبان‌شناس مطرح آمریکایی در این زمینه معتقد است: «آمریکا عراق را ترک کرد؛ اما هرگز آن کشور و منابع سرشار از طلای سیاه آن را از فهرست اولویت‌های استراتژیک خود در خاورمیانه حذف نکرد. از سوی دیگر، آمریکا نمی‌توانست نظاره‌گر این حقیقت تلخ و آزاردهنده باشد که در یک بازی دو سر باخت، صدام را سرنگون کرد؛ اما عملاً قدرت را به یک اکثریت شیعی واگذاشت. افزون‌بر آنکه آمریکا نیاز به راضی کردن دیگر متحدان منطقه‌ای تحت سلطه خود به‌ویژه حکومت سلطنتی آل سعود در ریاض، شیخ‌نشین قطر و ترکیه به رهبری اردوغان داشت. به همین دلایل، مسیری برای بازگشت مجدد ایالات متحده و متحدانش به عراق باید پیدا می‌شد و این مسیر بدون بهانه‌ای به بزرگی داعش، نمی‌توانست تحقق پیدا کند» (چامسکی، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر با از صحنه خارج شدن تفکر مارکسیستی و کمونیستی در بلوک شرق، مبانی فکری مکتب لیبرال دموکراسی نیز با بن‌بست محتوایی مواجه شد و نخبگان آزاداندیش محافل علمی غرب در پی جایگزینی هستند تا علاوه بر اغنای فکری، فطرت دین‌طلبی و معرفت‌گرای را نیز تأمین کند.

ب) عدم تمرکز دنیای اسلام از مسئله فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی

تاریخ، سرگذشت و آرمان هر قومی علت قوام و وحدت آن اجتماع، و سبب زیست امیدوارانه در کنار یکدیگر است. قوم یهود که تاریخ خود را به سرگذشت قوم بنی‌اسرائیل گره می‌زند، آرمان احیای تمدن «از نیل تا فرات» یا همان سرزمین موعودی است که در آیات پیدایش تورات آمده است. البته ساکنان کنونی سرزمین‌های اشغالی نه آن یهودیان و پیروان حقیقی دین حضرت موسی هستند و نه محدوده نیل تا فرات، مختص به قوم یهود به‌تنهایی است تا آنان

ادعای سرزمین موعود کنند. رژیم اسرائیل کنونی نتیجه طرحی سیاسی و استعماری است که در پی تشکیل جنبش صهیونیسم پایه‌گذاری شد. دولت انگلستان تحت نفوذ عناصر این جنبش ملی‌گرا و نژادپرست ابتدا در پیمان سایکس-پیکو مقدمات تجزیه حکومت عثمانی و منطقه غرب آسیای کنونی را پایه‌ریزی کرد و سپس با صدور اعلامیه بالفور نطفه تشکیل دولتی یهودی در قلب سرزمین‌های اسلامی را منعقد کرد. جنبش صهیونیسم با تمسک به آموزه‌های دین تحریف‌شده یهود، یهودیان سرتاسر جهان را دعوت به مهاجرت به سرزمین مقدس فلسطین کرد تا با تسخیر تدریجی این خطه، زمینه احیای تمدنی که خداوند به قوم یهود وعده داده بود و قلمرو آن از نیل تا فرات است را فراهم سازند.

پس از تثبیت کشور اسرائیل در مرزهای فلسطین، طرح خاورمیانه جدید (و به عبارتی پیمان سایکس-پیکو قرن ۲۱) مقدمات تحقق این آرمان را میسر می‌ساخت که ناگاه پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل محور مقاومت و شکست‌های پیاپی رژیم صهیونیستی از این محور، راهبرد کشورگشایی رژیم صهیونیستی را به راهبرد دفاع از خود پشت دیوار حائل مبدل ساخت. از این رو، حامیان این رژیم جعلی با کمک خود این رژیم منحوس برای ایجاد حاشیه امنیت برای آن، با حمایت از گروه‌های تروریستی ضمن ترسیم چهره‌ای غیرواقعی از اسلام، توان نظامی و اقتصادی کشورهای اسلامی را درگیر بحرانی ساختگی کرده است تا تمرکز جهان اسلام را تا حد امکان از آرمان فلسطین منحرف سازد.

در واقع، تشکیل فرقه‌های انحرافی اعتقادی، همگی با دیدگاه‌های تکفیری و سلفی توسط آمریکا و پشتوانه مالی و فکری وهابیت در عربستان که نتیجه آن تشکیل گروه‌هایی چون طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره و ... در منطقه است، صرفاً با هدف اختلاف‌افکنی در جهان اسلام به‌عنوان مؤلفه اصلی تقویت عمق راهبردی جمهوری اسلامی، صورت پذیرفته است تا از این طریق با راه‌اندازی جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای تمرکز دنیای اسلام را از مسئله فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی به درگیری‌های داخلی معطوف سازد.

ج) ایجاد تفرقه میان امت اسلام ناب محمدی(ص) و جلوگیری از گسترش محور مقاومت
تحولات ناشی از بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد، به کشورهای مصر، لیبی، یمن و بحرین سرایت کرد و منشأ تغییر چهره سیاسی و اجتماعی منطقه غرب آسیا از آن زمان تاکنون شد. در این میان حکام کشورهایهایی که شرایط مشابه داشتند، احساس خطر کردند. عربستان سعودی که به‌واسطه میزبانی حرمین شریفین داعیه رهبری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را دارد، بیش از سایرین به تکاپو افتاد و راهبری مقابله با این موج بیداری را بر

عهده گرفت.

با توجه به تأثیر جنبش وهابیت بر وحدت قبایل بدوی و اعراب نجد و حجاز، در لوای قدرت آل سعود و گسترش آن به سایر بلاد عربی از همان قرن هجدهم میلادی و قرار گرفتن آن در راستای جنبش استقلال طلبانه اعراب علیه عثمانی، برخی نویسندگان معاصر غرب، تحت تأثیر نوشته‌های رشید رضا که خود متأثر از وهابیت بود، هریک به نحوی این جنبش را نمودار «روح استقلال طلبی عرب» شناختند و آن را به وجدان قومی عرب پیوند دادند. آن‌ها معتقد بودند بدعت‌هایی مانند فلسفه و صوفی‌گری از ناحیه غیرعربی چون یونانیان، ایرانیان و ترکان وارد دین شده است و آن را دستاویزی برای مقابله با ترکان عثمانی قرار دادند و دعوت خود را به نام «پیراستن دین اسلام از آثار فکر غیرعرب» آغاز کردند. به عبارت دیگر وهابیت با تعصب عربی پیوند خورده است (قائمی و باغانی، ۱۰۸، ۱۳۹۷).

از آن‌جا که عامل اساسی پیروزی جبهه اسلام از ابتدا تاکنون «وحدت مسلمین» بوده، نقطه ثقل تقابل دشمنان، خدشه به وحدت ملل اسلامی است. یارگیری از بازیگران منطقه‌ای از طریق خلق دوگانه‌های تفرقه‌آمیز از جمله دوگانه «شیعه و سنی» و «عرب و غیرعرب» تجربه‌ای موفق است که پیشتر نیز در تشکیل القاعده و طالبان برای جنگ با شوروی در افغانستان به کار رفت. هیلاری کلینتون در جلسه کمیته روابط خارجی کنگره در سال ۲۰۰۹ اعلام داشت: «افرادی که امروز با آن‌ها می‌جنگیم همان‌هایی هستند که سال‌ها پیش به وجودشان آوردیم. {در زمان حمله شوروی به افغانستان در دولت ریگان و با همکاری کنگره} آن زمان مطرح شد که باید این مجاهدین را به کار گیریم. آن‌ها را از عربستان سعودی و دیگر کشورها جمع کنیم و با قرائت وهابی از اسلامی آن‌ها را برای شکست شوروی به کار گیریم»^۳ (Clinton, 2009).

بنابر اسناد منتشره توسط پایگاه اینترنتی ویکی لیکس، هیلاری کلینتون در زمان تصدی وزارت خارجه دستور اعزام نیرو به قطر برای حضور در لیبی و کمک به مخالفان در سرنگونی معمر قذافی را صادر کرد. کلینتون چنین رویکردی را در سوریه نیز انجام داد. ادوارد اسنودن پیمانکار سابق مراکز اطلاعاتی ایالات متحده نیز فاش کرد: سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام نقش داشتند و در عملیاتی به نام «لانه زنبور» گروه داعش را تشکیل دادند. گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده و هدف عملیات لانه زنبور تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و بر اساس اندیشه‌های تکفیری سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه گیرد (ایرنا، ۱۳۹۶).

۳. صلاحیت نیروهای مسلح ایران برای مقابله با تروریسم تکفیری

۳-۱. مداخله ایران در مخاصمات داخلی عراق و سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل

مقصود شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که لازمه این امر تحقق اصل بنیادین منع توسل به زور و تحریم جنگ در روابط بین‌الملل است. تجارب بشر تا پیش از تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، حامیان نهاد سازمان ملل را به ممنوعیت مطلق توسل به زور و اقدامات مسلحانه واداشت. البته این اطلاق که از زمره قواعد آمره^۴ بین‌المللی است، با قید امنیت جمعی شورای امنیت و نیز دفاع مشروع، مستثنا شده است. سایر موارد مجاز اقدام نظامی علیه سایرین از منظر حقوق بین‌الملل، منبعث از این دو نهاد حقوقی است. از بررسی ریشه‌های تاریخی دفاع مشروع و نیز مطالعه اسناد حقوقی و رویه قضایی بین‌المللی، مداخله ایران در مخاصمات مسلحانه کشورهای عراق و سوریه از منظر حقوق بین‌الملل بر پایه موارد زیر توجیه‌پذیر است:

۱. دفاع مشروع: دفاع در لغت به معنای حمایت کردن و وطن، ناموس و حقوق خود را از دستبرد دشمن حفظ کردن است (بهشتی، ۱۳۷۸). دفاع مشروع در بیشتر نظام‌های حقوقی رایج در دنیا و نیز حقوق داخلی کشورها از جمله عوامل رافع مسئولیت است که براساس شرایط تعیین‌شده، واردآورنده زیان را از جبران خسارت معاف می‌سازد. در حقوق بین‌الملل ریشه دفاع مشروع، در حقوق عرفی بین‌المللی و سوابق تاریخی نهفته است. منشور ملل متحد به‌عنوان قانون اساسی نظام حقوقی بین‌المللی به تبعیت از این عرف بین‌المللی و واقعیات حیات بشری، دفاع مشروع را به رسمیت شناخته است. در ماده ۵۱ منشور آمده است: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد... هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد». دفاع یک کشور از تمامیت سرزمینی خود و پس از حصول شرایط مقرر در زمینه تجاوز می‌تواند به‌صورت انفرادی یا دسته‌جمعی باشد و دفاع دسته‌جمعی اغلب در نتیجه انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای دو یا چندجانبه و بین‌المللی مانند پیمان ناتو صورت می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۴، ۲۸-۳۴).

هرچند اسناد گوناگونی در محکومیت تروریسم بین‌المللی وجود دارد، باید توجه داشت که مبارزه با تروریسم نمی‌تواند با نقض قواعد حقوق بین‌الملل، از جمله توسل به زور، همراه باشد. در مواردی که کشورها با ادعای مبارزه با تروریسم، بدون رضایت دولت مرکزی، وارد آن کشور شده‌اند که ورود آمریکا به افغانستان و ورود کشورهای ائتلاف ضد داعش به سوریه و ورود ترکیه به عراق و سوریه از این جمله است (ضیایی و یدائی امناب، ۱۳۹۵، ۱۳۸).

درباره وضعیت سوریه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت روسیه با دعوت دولت مرکزی علیه

گروه‌های شورشی، از جمله داعش، مداخله نظامی کرده‌اند (http://www.aljazeera.com/news/2015). براساس قراردادها و همکاری‌های نظامی بین دولت‌های ایران و عراق و سوریه به‌عنوان کشورهای همسایه و متحد، طبق مجوز قانونی دفاع مشروع دسته‌جمعی، دولت ایران به‌عنوان کشور همجوار این کشورها به درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داده و در قالب کمک‌های مستشاری، از خود و هم‌پیمانانش در مقابل دشمن مشترک دفاع کرده است.

از سوی دیگر دفاع، پیش از وقوع حمله دشمن در صورت قریب‌الوقوع و قطعی بودن به شرط اقدام متناسب، به‌صورت پیشدستانه با توجه به ماهیت تهدیدات جهان امروز مورد پذیرش نسبی جامعه بین‌الملل واقع شده است. از این‌رو رصد تهدیدات رسانه‌ای و بررسی تحرکات میدانی گروه تروریستی داعش و سایرین نشان از قطعی و قریب‌الوقوع بودن تهدید داشت. تا آن‌جا که این تهدیدات در خردادماه ۱۳۹۶ عملی شده و به مناطق حیاتی و حساسی در تهران حمله تروریستی شد که طی آن حدود ۱۸ نفر از شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند. به‌علاوه پیشروی نیروهای داعش تا شهرهای سعیدیه و جلولا عراق (پوردستان، ۱۳۹۸) در فاصله ۲۲ کیلومتری مرز حاکی از تعرض قریب‌الوقوع به مرزهای غربی ایران است.

۲. رضایت دولت‌های درگیر جنگ از طریق دعوت به مداخله: در حوزه نقض تعهد بین‌المللی دولت‌ها پیرامون دو اصل عدم توسل به زور و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، وفق ماده ۲۰ مقررات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که طی سند «پیش‌نویس طرح راجع به مسئولیت کشورها» در سال ۲۰۰۱ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل رسیده است، رضایت دولت درخواست‌کننده، از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی است (Crawford, 2003: 163). «استفاده یک کشور از نیروهای مسلح خود در قلمرو کشور هم‌پیمان اگر ناقص پیمان مذکور نباشد تجاوز محسوب نمی‌شود» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶). از این‌رو نظر به وجود پیمان‌های نظامی و امنیتی میان کشورها و از طرفی ابراز صریح و ضمنی رضایت دولت‌های قانونی عراق و سوریه، مداخله ایران در مخاصماتی که در خاک این کشورها صورت می‌گیرد، توجیه می‌شود. بنابر اعلام مقامات رسمی جمهوری اسلامی، «حضور ایران در سوریه مستشاری و در راستای مبارزه با تروریسم و به درخواست دولت قانونی سوریه است» (قاسمی، ۱۳۹۶).

۳. اقدام جهانی علیه تروریسم؛ ناتوانی دولت‌های عراق و سوریه در مقابله با گروه‌های تروریستی، خاک این کشور را به مأمنی برای اقدامات خلاف و مجرمانه حقوق بین‌الملل، علیه دولت‌های خارجی تبدیل کرده است، اقداماتی شامل برنامه‌ریزی و انواع کمک‌ها و عملیات به‌منظور براندازی حکومت قانونی دولت‌های خارجی یا حمله نظامی به دولت خارجی. «در این رابطه طبق ماده ۹

طرح راجع به مسئولیت کشورها (Crawford, 2003, 114)، دولت عراق مسئول اقدامات متخلفانه گروه داعش است، اعلامیه مصوب ۱۹۹۴ مجمع عمومی تحت عنوان اقدام برای محو تروریسم از کشورها می‌خواهد تا از تشویق یا رضایت به فعالیت‌هایی که سرزمینشان به طور مستقیم منجر به فعالیت‌های تروریستی می‌شود، جلوگیری کنند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶). از این رو انتشار تصاویر قتل و غارت وحشیانه اعضای داعش در شهرهای عراق و سوریه علیه غیرنظامیان نه تنها موجب رعب و وحشت در میان ساکنان مناطق و کشورهای همجوار شده بود، بلکه فضای رسانه‌ای و افکار عمومی جهانی را بسیار متأثر ساخته بود.

۳-۲. مداخله ایران در مخاصمات داخلی عراق و سوریه از دیدگاه قانون اساسی

کلیدواژگان مرتبط با نیروهای مسلح در قانون اساسی پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی توسط نیروی اسلامی، مکتبی و مردمی است. قانون اساسی در اصل ۱۴۳ ارتش را عهده‌دار پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی می‌داند. این ارتش باید اسلامی، مکتبی و مردمی باشد. این قانون در اصل ۱۵۰ تداوم موجودیت سپاه پاسداران را برای نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن اعلام می‌دارد. اصل ۱۵۱ با استناد به آیه کریمه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) به آمادگی همیشگی نیروهای رزمی و آماده‌سازی تمام توان برای مقابله با دشمنان اشاره دارد.

از آنجا که از میان چهار نیروی اصلی نظامی، نیروی انتظامی وظیفه حفظ نظم و امنیت داخلی را بر عهده دارد و وزارت دفاع ماهیتی صنعتی داشته و پشتیبانی تسلیحاتی از نیروهای مسلح را بر عهده دارد، منظور از نیروهای مسلح در این مقاله ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران است. از طرفی با توجه به مشارکت توأمان هر دو نیرو یعنی ارتش و سپاه در عملیات مستشاری برون‌مرزی، تمایزی بین این دو قائل نشده و با یک عنوان از آن‌ها نام برده می‌شود.

ماده ۵ قانون ارتش هدف‌های نظامی جمهوری اسلامی را به سه دسته عمده تقسیم می‌کند:

الف) حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ب) حفظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو کشور در دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، رودخانه‌ها و معادن؛ ج) یاری به ملل مسلمان یا مستضعف غیرمعارض با اسلام در جهت دفاع از سرزمین‌های مورد تهدید یا اشغال نیروهای متجاوز در صورت درخواست ملل مزبور.

ماده ۷ این قانون مأموریت و وظایف ارتش را چنین برمی‌شمرد:

الف) آمادگی و مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور؛

ب) همکاری با نیروهای انتظامی سپاه پاسداران در مقابله با اشرا، یاغیان، قاچاقچیان، تجزیه‌طلبان و جریان‌های براندازی در مواقع ضروری بنا به دستور. ماده ۱ اساسنامه سپاه پاسداران نیز این نیرو را نهادی معرفی می‌کند تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی است.

آنچنان‌که مشاهده شد، قانون اساسی نه تنها مجوز حضور نیروهای مسلح را صادر می‌کند، بلکه آن را وظیفه ذاتی این نیروها می‌داند. چنانکه در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (انبیاء: ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد». در ادامه در موضوع ارتش مکتبی می‌آورد: «در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین‌جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا لِلَّهِ وَعَدُواكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ)».

بند ۱۶ اصل ۳ دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌کند همه امکانات خود را به‌کار گیرد و سیاست خارجی کشور را براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تنظیم کند. در اصل ۱۵۲ آمده است: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. اصل ۱۵۴ قانون اساسی سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان جمهوری اسلامی می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان. در ادامه بر برخورداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر تأکید، ولی حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در

برابر مستکبران در هر نقطه از جهان را تجویز می‌کند. رویکرد حقوق اساسی که در زمینه سیاست خارجی پیوندی عمیق با صلاحیت نیروهای مسلح دارد، رویکردی جامع و مترقی است که مشتمل بر موازین اسلامی از یک سو، و بنیان‌های حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است. این گرایش از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، موضع جمهوری اسلامی را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی اعلام کرد. مواضعی که به جرأت نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی شده و از آن زمان سیاست درباره کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مبتنی بر بنیان‌های فکری انقلاب و تأثیرات ژئوپلیتیک آن تعریف می‌شود.

۳-۳. علل مقابله با تروریسم تکفیری از نگاه قانون اساسی

متأسفانه تروریسم پیش از آنکه به‌عنوان معضلی جهانی شناخته شود و برای مبارزه با آن اقدامات اساسی صورت بگیرد، به‌عنوان ابزاری سیاسی به‌منظور پیشبرد اهداف برخی قدرت‌های جهانی به‌کار گرفته شد. از حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر و انهدام برج‌های دوقلو در آمریکا، واژه تروریسم بیش از گذشته جای خود را در ادبیات رسانه‌ای جهان باز کرد. این حادثه بهانه خوبی برای اجرای اهداف سلطه‌طلبانه آمریکایی‌ها در خاورمیانه بود و فرصت مناسبی را برای تثبیت موقعیت آنان در منطقه خاورمیانه فراهم کرد. واقعیت این است که دولت‌ها و رژیم‌های غربی، تروریسم را به ابزاری برای رسیدن به مطامع سیاسی خود تبدیل کرده‌اند و به‌جای مبارزه با آن، خود به‌عنوان بزرگ‌ترین حامیان تروریسم عمل می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران از آغاز روزهای پیروزی انقلاب تاکنون از ناحیه تروریسم و اقدامات تروریستی لطمات و ضربات جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. ترور استاد شهید مرتضی مطهری، شهید مفتاح، شهیدان رجائی و باهنر، شهید بهشتی و ۷۲ نفر از مسئولان عالی‌رتبه نظام، شامل اعضای کابینه و نمایندگان مجلس، در کنار اقدامات گروهک منافقین در دهه ۶۰ و به شهادت رساندن هزاران انسان بی‌گناه از رجال سیاسی و مذهبی گرفته تا مردم بی‌دفاع کشور، و همچنین ترور متفکران و دانشمندان هسته‌ای دکتر شهریاری، دکتر علیمحمدی، مهندس احمدی روشن و مهندس رضایی‌نژاد، در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از اقدامات تروریستی است که توسط مزدوران استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرا شد (جعفری، ۱۳۹۲، ۲۴۹). به همین دلیل، لزوم مقابله با تروریسم به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر تلقی می‌شود. چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند:

«ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی‌توانیم زیر بار زور برویم، نمی‌توانیم زیر بار ظلم برویم، نمی‌توانیم در مقابل ظالم نایستیم، این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری

اسلامی اعلام می‌کند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به‌خاطر این است؛ اینکه ما روی مسئله فلسطین این‌جور اصرار داریم، به‌خاطر این است. چون لازمه توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری می‌کند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد... ایستادن ما در کنار گروه‌های مقاومت، در منطقه غرب آسیا به همین دلیل است. حضور ما در سوریه، در مقابله و مواجهه با تروریست‌هایی که آمریکا و عوامل آمریکا در منطقه به‌وجود آورده بودند، به این دلیل است. اینکه گفته بشود «جمهوری اسلامی ایران توسعه‌طلب است، می‌خواهد فلان‌جا را تصرف کند»، این‌ها حرف‌های مهمل و بی‌معنا و خلاف واقع و دروغی است؛ نه، ما قصد توسعه و نگاه توسعه‌طلبی به هیچ نقطه‌ای از دنیا نداریم؛ احتیاج هم نداریم، بحمدالله کشور بزرگ، آباد و پرطرفیتی در اختیار ملت ایران است. [این حضور] به‌خاطر این است که در منطقه سوریه، در غرب آسیا، مقاومت در مقابل ظلم وجود داشت و وجود دارد؛ به این دلیل ما آنجا حضور پیدا کرده‌ایم. لذا ملاحظه می‌کنید که به توفیق الهی، [جبهه] مقاومت به برکت کمک‌هایی که شد و به برکت شجاعتی که نیروهای سوری داشتند، توانستند بر تروریست‌های حمایت‌شده بلکه به‌وجودآمده به‌وسیله آمریکا و غربی‌ها و مزدورانشان در منطقه -مثل سعودی و مانند اینها- غلبه پیدا کنند، آن‌ها را شکست بدهند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۵).

با این توضیح می‌توان گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل زیر مقابله با تروریسم تکفیری را از سوی نیروهای مسلح لازم و ضروری قلمداد می‌کند:

الف) حمایت از حقوق بنیادین افراد

حمایت از آزادی‌های فردی: قانون اساسی بنا به اصل ۹ اشعار می‌دارد: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

منع هتک حرمت افراد: قانون اساسی بنا به اصل ۳۹ منع هتک حرمت افراد را مورد تأکید

قرار می‌دهد.

ب) تأمین امنیت شخصی مردم

قانون اساسی تأکید بر امنیت شخصی در ابعاد گوناگون دارد. چنانکه اصل ۲۲ قانون اساسی اشعار می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

ج) امنیت مرزهای ایران و تضمین امنیت ملی

قانون اساسی بنا به اصل ۱۷۶ دولت را متعهد ساخته تا امنیت ملی را تضمین کند: به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌شود:

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری؛

۲. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی؛

۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. اگرچه قانون اساسی به‌طور مستقیم مقابله با تروریسم را بیان نکرده است، مذاقه در موارد فوق نشان می‌دهد که قانون اساسی دولت را مکلف می‌کند تا برای تأمین امنیت شهروندان خود اقداماتی را انجام دهد که در این زمینه جدای از اقدامات سیاسی، اقدامات نظامی - دفاعی را توسط نیروهای مسلح لازم و ضروری دانسته است.

با نگاهی به آنچه ذکر شد، دلایل سیاسی - امنیتی مقابله ایران با تروریسم تکفیری در خارج از مرزها را می‌توان به شرح زیر نام برد:

الف) تکلیف دینی و انسانی در حمایت از ملل اسلامی و مستضعف

دین به‌عنوان مستحکم‌ترین بنیان اجتماعی قلمرویی نه به وسعت مرزهای جغرافیایی، بلکه سیطره‌ای ورای زمان و مکان، و بر قلوب و باطن معتقدین به آن دارد. اسلام، دین خاتم نیز که برخلاف اسلاف خود از تحریف در امان مانده و به لطف پویایی فقه امامیه هر روز بر نفوذ معنوی خود می‌افزاید، در قرآن کریم همه مسلمانان را یک امت می‌داند^۵ و این امت علاوه بر افزایش قدرت و توان دفاعی^۶ و وظیفه دفاع از خود هنگام تحمیل جنگ و نیز دفاع از مظلومی را که به ناحق از خانه خود رانده شده است بر عهده دارد.^۷ قرآن کریم در آیه‌ای دیگر مؤمنان را

در دفاع از مظلوم و ستم‌دیده مکلف می‌داند. «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید همانان که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما» (نساء: ۷۵).

ب) تقویت جبهه مقاومت

موقعیت جغرافیایی عراق به‌عنوان کشور همسایه، و سوریه، در محل راهبردی تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، اهمیت ژئوپلیتیک زیادی برای کلیه بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دارد. همجواری سوریه با کشورهایی چون ترکیه، لبنان، اردن، مرزهای فلسطین اشغالی و رژیم صهیونیستی که پس از عراق حلقه ارتباطی با حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی در جبهه مقاومت است، بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپهاک و نظریه مجموعه امنیتی بوزان (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۶، ۶) وابستگی متقابل امنیتی ایران، سوریه و عراق (پس از صدام) را سبب شده است. به‌علاوه مؤلفه‌های همجواری، الگوهای دوستی و دشمنی و عوامل فرهنگی و مذهبی، سبب همگرایی سیاست خارجی این سه کشور و حمایت از مبارزان خط مقدم با رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان شده است. در این میان انگیزه‌های ضدصهیونیستی سوریه به دلیل گرایش‌های ناسیونالیسم عربی پس از پیمان‌های استعماری «سایکس پیکو» و «اعلامیه بالفور» که موجبات بی‌ثباتی کنونی منطقه را سبب شده، بیشتر از هر کشور دیگری در منطقه غرب آسیاست. این گرایش، سوریه را به سد نفوذ سیاست‌های آمریکا علیه ایران (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳، ۱۵۷) در منطقه غرب آسیا مبدل ساخته است. طرح خاورمیانه جدید که نظم حاکم بر منطقه را برابر خواست آمریکا و رژیم صهیونیستی تعریف می‌کرد، در پی شکست این رژیم از گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ میلادی عقیم ماند که در این میان همکاری سوریه در پشتیبانی تسلیحاتی از این گروه‌ها انکارناپذیر است. از این‌رو براساس نظریه یادشده، امنیت دو متحد راهبردی تا حد بسیار زیادی به یکدیگر وابسته است. رژیم صهیونیستی دشمن بالقوه و البته بالفعل هر دو کشور ایران و سوریه از نظر مؤلفه‌های امنیتی و نیز حفظ موجودیت است. به‌علاوه ریشه‌های پیوند مذهبی دو کشور مسلمان و به‌ویژه وجود اماکن مقدس شیعی، تعرض به این اماکن را خدشه به خطوط قرمز اعتقادی شیعیان در ایران و سایر امت‌های منطقه و جهان قرار داده است.

ج) آشکار ساختن ماهیت غیرخشونت ورز و ضدتروریستی جمهوری اسلامی ایران
وقوع تحولات منطقه از سال ۲۰۱۱ در جریان بیداری اسلامی زمینه‌های بسط دامنه نفوذ و صدور آرمان‌های جمهوری اسلامی به ملت‌های منطقه را مهیا ساخت. مبانی معنای محور انقلاب

اسلامی ایران از چنان ظرفیت الگوسازی و تأثیرگذاری برخوردار است که دشمنان این تفکر را به اعتراف واداشته است. وزارت خارجه آمریکا در گزارشی که در اکتبر ۲۰۱۱ منتشر کرد، دلایل ظهور بازیگران غیردولتی مانند گروه‌های تکفیری را چنین اعلام کرد: «عربستان سعودی و متحدان خلیج فارس آن در حال اعزام سلفی‌های رادیکال به کشورهای دیگر هستند تا نه تنها ایران را تضعیف نمایند، بلکه جنبش‌های بیداری که سلطه مطلق آنها را تهدید می‌کند، سست و مختل کنند. این موضوع در سوریه، لیبی، مصر، لبنان، یمن و عراق رخ داده است» (رئیس و کفاح نیری، ۱۳۹۳، ۴۹). تشکیل گروه‌های تروریستی تکفیری دو هدف را دنبال می‌کند:

نخست، شعله‌ور ساختن تفرقه در میان امت اسلامی و تصویر نمودن چهره‌ای جعلی از اسلام به‌عنوان دین در حال گسترش در اروپا و آمریکا؛ دوم مهار قدرت نفوذ ایران از طریق ایجاد جنگ‌های نیابتی در عمق راهبردی آن. پیامد این رویکرد که جنگ‌های سوریه، عراق و یمن را در پی داشته، تغییر حکومت این کشورها و یا حداقل تخریب زیرساخت‌های این کشورهاست تا در صورت نجات موفقیت‌آمیز این کشورها از چنگال این جنگ‌ها، مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ، آن‌ها را در پیشبرد اهداف خود ناتوان سازد. این حقیقت در اظهارات مقامات آمریکایی و متحدانش نیز کتمان نشده و به‌صراحت اعلام می‌شود. نیکی هیلی نماینده دائم ایالات متحده در سازمان ملل در بیان دلایل حمله موشکی آمریکا به سوریه در آوریل ۲۰۱۸، علاوه بر ادعای تنبیه دولت سوریه برای کاربرد تسلیحات شیمیایی، اعلام داشت: «هدف آمریکا در سوریه جلوگیری از حاکمیت نفوذ ایران بر منطقه است» (Haley, 2018). امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه نیز هدف همکاری کشورش با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را چنین بیان می‌دارد: «از اهداف ما فراهم کردن شرایط برای رسیدن به راه‌حلی سیاسی جهت مهار ایران در منطقه، یعنی در یمن، در سوریه، در عراق و در لبنان است» (Macron, 2018).

نتیجه‌گیری

طراحی نظام نوین حقوقی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم که در سیمای سازمان ملل متحد و سازوکارهای آن تبلور یافته است، بسان دو لبه برآن شمشیر، آزادی عمل قدرت‌های سلطه‌گر در اتخاذ رویکردهای دوگانه برای بهره‌برداری‌های سیاسی در پرتو موازین قانونی را به چالش کشیده است. در دنیای امروز کشوری نمی‌تواند اقدامات توسعه‌طلبانه خود را با توجهات حقوقی، مشروع جلوه دهد، ولی انتظار داشته باشد سایرین از این ابزارهای حقوقی برای نیل به مقاصد مشروع خود استفاده نکنند. در تأیید ادعا و همان‌گونه که اشاره شد، آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی با تشکیل گروه‌های تروریستی در پوشش جمعیت‌های جهادی اسلامی

شعله‌های نزاع داخلی را برافروختند. جنگ داخلی در کشورهای سوریه و عراق و اقدامات تروریستی در شهرهای آمریکا و اروپا، بهانه‌ای برای لشکرکشی و حضور نظامی در منطقه را فراهم می‌سازد. ایالات متحده آمریکا به بهانه‌ای مشابه یعنی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با توجیه حقوقی دفاع پیشدستانه ولی در اصل مبتنی بر سیاست تهاجم پیشگیرانه از آن سال با حمله به عراق و افغانستان حضور خود در منطقه را برای افکار عمومی جهان توجیه می‌کند. البته بر همگان عیان است که این حضور صرفاً با انگیزه اصلی مهار و تقابل با انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. در سوی مقابل ایران توجهات حقوقی مشروعی برای دفاع از امنیت و موجودیت خود و متحدانش عرضه می‌دارد که در واقع منطبق بر قواعد و اصول حقوقی مورد استناد آمریکاست، ولی این رویکرد از سوی دشمنان به اقدامات بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای تعبیر، و محکوم می‌شود. از دیدگاه حقوقی طبق موازین و اسناد حقوق بین‌الملل، بر مبنای سه مجرای قانونی دفاع مشروع جمعی، مداخله ناشی از دعوت و رضایت طرف مخاصمه و وظیفه همگانی در مبارزه با تروریسم، حضور ایران در مخاصمه داخلی کشورهای همسایه با گروه‌های تروریستی توجیه می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز با اعلام تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بر پایه ایمان و مکتب، مکلف به جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان کرده و با استناد به بند ۱۶ از اصل ۳ و اصول ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ مقابله نظامی-دفاعی علیه تروریسم تکفیری را لازم و ضروری قلمداد کرده است. از دیدگاه سیاسی-امنیتی نیز در درجه نخست وفق آموزه‌های دینی و نصوص قرآنی در حمایت از مظلومان و مسلمانانی که درگیر جنگ و هجوم بیگانگان هستند، و نیز راهبرد فرماندهی کل قوای جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از دشمن در عمق راهبردی و حوزه نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی و الزامات امنیت ملی، حمایت از هم‌پیمانان در مبارزه با دشمن مشترک منطق و عقلانیت می‌یابد.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۲ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح

2. Strategic Depth

3. “ Let’s remember here; ... the people we are fighting today, we founded twenty years ago.

... let’s go recruit these mojahideen.

... and great, let them come from Saudi Arabia and other countries, importing their Wahabi brand of Islam so that we can go beat the Soviet Union.”

4. Jus Cogens

۵. امت واحده، انبیاء: ۹۲.

۶. وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (انفال: ۶۰).

۷. به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است، چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند ... همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چراکه خدا سخت‌نرومند شکست‌ناپذیر است. (حج: ۳۹ و ۴۰).

منابع

الف: فارسی

۱. آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، ش ۱۴، صص ۱-۱۹.
۲. ایرنا (۱۳۹۶)، عملیات لانه زنبور به پایان نرسیده است، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، کد خبر: ۸۲۵۲۹۲۷۲
۳. بهشتی، محمد (۱۳۷۸)، فرهنگ صبا، نشر صبا.
۴. پوردستان، احمدرضا (۱۳۹۸)، با بالگرد بالای سر داعش رفتم، خبرگزاری تسنیم، ۱۳ مهر ۱۳۹۸.
۵. جعفری، سید اصغر (۱۳۹۲[الف])، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۶. ----- (۱۳۹۲[ب])، تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. چامسکی، نوام (۱۳۹۷)، داعش چگونه متولد شد؟، خبرگزاری آنا، ۲۰ شهریور ۱۳۹۷، کد مطلب: ۱۷۰۵۵۰
۸. روحی، نبی‌الله (۱۳۹۳)، «مبانی اعتقادی تروریسم تکفیری»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۷، ش ۲۳، پاییز، صص ۵-۳۶.
۹. رئیسی دزکی، لیلا؛ کفاش نیری، محمد (۱۳۹۳)، «تأثیر جهانی شدن حقوق بشر بر اصل عدم مداخله: با تأکید بر بحران سوریه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۲۱، زمستان، صص ۳۱-۶۱.
۱۰. دهقان، حسین؛ جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸)، مبانی و اصول دفاعی - امنیتی از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله)، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۱۱. سیدنژاد، سید باقر (۱۳۹۲)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۱.
۱۲. سیمبر، رضا؛ قاسمیان، روح‌اله (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹، تابستان، شماره پیاپی ۳۹.

۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۶)، حضور نظامی در خاک عراق از منظر حقوقی؛ ایران می‌تواند آمریکا نه، نشست مشترک دانشگاه علامه طباطبائی با دانشکده حقوق و علوم اجتماعی پواتیه فرانسه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی ر.ک: atnanews.ir. کد خبر: ۸۱۷۰۹، تاریخ: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰.
۱۴. ضیایی، سید یاسر؛ یدائی امناب، محسن (۱۳۹۵)، «مداخله نظامی خارجی در مخاصمات مسلحانه غیربین المللی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت عراق، سوریه، یمن و بحرین»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، ش ۳۲، پاییز، صص ۱۲۳-۱۵۱.
۱۵. قاسمی، بهرام (۱۳۹۶)، خبرگزاری مهر، ۲۱ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر: ۹۶۱۱۲۱۱۲۱۲۲.
۱۶. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵)، «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، ش ۳۳، صص ۱۴۴-۱۷۲.
۱۷. قائمی خوشبین، علی؛ باغانی، فرحناز (۱۳۹۷)، «ریشه‌های فکری داعش»، تاریخ‌نامه خوارزمی، دانشگاه خوارزمی، سال ششم، ش ۲۳، پاییز، ص ۱۰۴.
۱۸. قربانی لاهیجی، مسعود (۱۳۹۶)، مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح، تهران: چتر دانش.
۱۹. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.
۲۰. نظریور، مهدی (۱۳۸۶)، جایگاه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله حصون، ش ۱۱، بهار، صص ۱۳۶-۱۶۲.

ب: لاتین

1. Crawford James (2003), **Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts** 2001, Cambridge University Press.
2. Clinton, Hillary, (2009), **Hillary Clinton: We Created Alqaeda**, at: www.globalresearch.ca, Jun,2013,5337222)
3. Haley, Nikki (US Ambassador to the United Nations), 2018, interview with Fox News. at: www.foxnews.com, Sun Apr 15, 2018
4. Kerry, John (2015), **Russia carries out first air strikes in Syria**, at:<http://www.aljazeera.com/news/2015/09/russian-carries-air-strikessyria-150930133155190.html>
5. Macron, Emmanuel (2018), **macron-trump-hold-joint-press-conference-at-Whitehouse**, at: www.cbsnews.com
6. Wikileaks, 2016, at: www.geopolitica.ru/en/news/wikileaks-clinton-armed-isis, Oct,6,2016